محمد تقی خان پسیان

کودکی

پسیان محمدتقی معروف به کلنل محمدتقی خان ۱۲۷۰ در تبریز زاده شد. رستم بیگ جد خاندان پسیان بعد از عهدنامه ترکمنچای و جدایی شهرهای قفقاز از ایران زندگی زیرسلطه بیگانگان روس را برنتابید و به تبریز مهاجرت کرد. رستم بیگ و پدر محمدتقی یاور محمد باقرخان روابط نزدیکی با مقامات با نفوذ تبریز از جمله میرزاتقی خان امیرکبیر داشتند. فرزندان رستم بیگ همگی از مقامات نظامی بودند و بعضی چون علیقلی و غلامرضا در جنگ با انگلیس در شیراز کشته شدند. محمدتقی در منزل و مدرسه لقمانیه تبریز به تحصیل علوم و زبانهای خارجی پرداخت و در پانزده سالگی به مدرسه نظام تهران راه یافت .



خدمت نظام

پنج سال در این مدرسه آموزش دید و در سال آخر تحصیل از سوی وزارت جنگ با درجه ستوان دومی خدمت ژاندارمری درآمد. پس از دو سال خدمت به درجه سروانی ارتقا یافت . در ۱۲۹۱ با سمت معلم و مترجم در مدرسه ژاندارمری یوسف آباد به کار خود ادامه داد. سپس به عنوان فرمانده گروهان به مأموریت

همدان اعزام شد. بعد از برقراری امنیت راه همدان به تهران بازگشت و با اتمام دوره به درجه سرگردی ارتقا یافت و به پاس موفقیت در مأموریت همدان از وزارت جنگ مدال طلا ی نظامی گرفت .

هم زمان با انتصاب او به فرماندهی گردان همدان جنگ جهانی اول آغاز شد. با تشکیل دولت مهاجرین در صف مقدم وطن خواهان حکومت مهاجرین قرار گرفت و در ۱۲۹۴ حمله معروف «مصلی » به روسها حمله کرد و ضمن شکست دادن و خلع سلاح آنها همدان را از منطقه نفوذ نیروهای روسیه خارج ساخت . پسیان و یاورعزیزالله خان ضرغامی دفاع از همدان را در مقابل هجوم قوای روسی سازماندهی کردند اما به سبب برتری کمی و کیفی ارتش روسیه ناگزیر از عقب نشینی به کرمانشاه شدند.

در آنجا به سبب عدم اتحاد و کمبود اسلحه پیروزی غیرممکن شد و نیروهای وطن خواه به سرزمین عثمانی پناه بردند. پس از این ناکامی پسیان از فرماندهی قوا کناره گیری کرد و برای درمان به آلمان رفت . در آلمان تحصیلات نظامی را ادامه داد نخست در نیروی هوایی آلمان و سپس در پیاده نظام به تحصیل و تمرین همت گمارد.

خدمت در خراسان

به دنبال تغییر اوضاع و پایان گرفتن جنگ جهانی اول در ۱۲۹۷ به ایران بازگشت . در همان سال و به دنبال سقوط دولت وثوق الدوله دوباره به خدمت ژاندارمری دعوت شد و به درجه کلنلی (سرهنگی) ارتقا یافت و در دولت مشیرالدوله به فرماندهی ژاندارمری خراسان منصوب گردید.

مأموریت او با والی گری قوام السلطنه در خراسان مصادف بود. کلنل با هدف ساماندهی ژاندارمری خراسان مأموریت خود را آغاز کرد اما پس از چهار ماه فعالیت برای اصلاح امورمالی و اداری ژاندارمری به سبب کمبود منابع مالی و کارشکنی قوام با ناکامی روبرو شد. وی همچنین به بهانه مقابله با هجوم احتمالی بولشویکها به تشکیل نیرویی ملی در کنار نیروی ژاندارمری اقدام کرد.

کلنل روز سیزدهم فروردین ۱۳۰۰ والی را بازداشت کرد و تحت الحفظ به تهران اعزام داشت.روز بعد سیدضیاء کلنل را به سمت والی نظامی خراسان منصوب کرد. پانزدهم فروردین در مشهد حکومت نظامی

اعلان شد و به دنبال آن در مدتی اندک یاغیان و اشرار عشایر خراسان سرکوب شدند و امنیت برقرار گردید محمدتقی خان بدهی مالیاتی قوام السلطنه را با ضبط اقلام هنگفتی از اموال و املاک او برای وصول کرد بهای نان و گوشت را کاهش داد و مواجب عقب افتاده افراد نظامی را پرداخت کرد همچنین رسیدگی به سوءاستفاده های متولیان آستان قدس و قوام السلطنه راآغاز کرد.

حکومت سیدضیاءالدین بیش از سه ماه طول نکشید و در چهارم خرداد ۱۳۰۰ فرمان عزل او صادر و به همه ایالات مخابره شد. ده روز بعد قوام السلطنه که ظاهراً در زندان حکم صدارت خود را دریافت کرده بود کابینه خود را به حضور شاه معرفی کرد. امور استحفاظی و انتظامی مرکز و حومه به سردارسپه سپرده شد. پیشتر در هفتم خرداد ۱۳۰۰ فرمان تلگرافی شاه به خراسان رسیده بود که بنابر آن کلنل در فرماندهی قوای نظامی خراسان باقی می ماند ولی از دخالت در امور حکومتی منع می گردید.

در اول مرداد ۱۳۰۰ نجدالسلطنه استعفا کرد و کلنل به استقلال به حکومت پرداخت دولت ، نجفقلی خان صمصام السلطنه بختیاری را به ولایت خراسان منصوب کرد و او ضمن تلگرام مورخ نهم مرداد ۱۳۰۰ کلنل را تا ورود خود به سمت کفیل ایالت تعیین کرد. کلنل ضمن اظهار اطاعت تصریح کرد که اعتقاد و اطمینانی به رئیس الوزرا ندارد و به همین دلیل حاضر به قبول هیچ خدمتی نیست و نمی تواند «با داشتن ا قتدار ظلم را دیده و چشم پوشی » کند. صمصام السلطنه با تضمین شرافت ایلاتی نسبت به کلنل ابراز اعتماد و از خدمات او قدردانی کرد و کلنل در پاسخ «تشریف فرمایی » صمصام السلطنه را موجب ا میدواری دانست.

در حالی که ابراز اعتماد کلنل نسبت به صمصام السلطنه آرا مشی در مشهد پدید آورده بود ناگهان صمصام کنار رفت و کلنل گلروپ رئیس ژاندارمری به خراسان وارد شد. اما محمدتقی خان از آنجا که احساس خطر می کرد که کلنل گلروپ او را عزل کند گلروپ را به تهران بازگرداند. در اطراف خراسان نیز قبایل ازخود سرکشی نشان می دادند. پس از بازگرداندن گلروپ به تهران از اواخر مرداد ۱۳۰۰ روابط کلنل با حکومت مرکزی به بن بست رسید.

قتل

دولت کلنل را یاغی و خودسر معرفی کرد و او نیز مستقلا به حکومت پرداخت و حتی حزب ملی به کمک او در خراسان تشکیل شد.در این هنگام سردار معزز حاکم بجنورد که پیشتر قول همکاری به کلنل داده بود خیانت کرد و کردهای قوچانی را به شورش واداشت . شورشیان با حمله به بجنورد و خلع سلاح ژاندارم ها شهر را به تصرف درآوردند. کلنل برای دفع کردان شمال شبانه با گروهی از افسران و ژاندارمها به سوی قوچان شتافت و در تپه های داوودلی جعفرآباد با اکراد مواجه شد و جنگید.

کمی نفرات و کاهش مهمات و مکر دشمن تا عصر نهم مهر ۱۳۰۰ عرصه را بر کلنل و قوای ژاندارم تنگ کرد. فرستادگان او برای آوردن مهمات از جعفرآباد به جبهه بازنگشتند و فرمانده خود را تنها و بدون مهمات رها کردند. کلنل یکه و تنها در حالی که محاصره شده بود تا آخرین فشنگی که داشت جنگید و کشته شد. کردهای قوچانی پس از نبرد سرش را از تن جدا کردند و به قوچان بردند. به این ترتیب قیام محمدتقی خان پسیان که از دوازدهم فروردین ۱۳۰۰ شروع شده بود در نهم مهر همان سال پایان گرفت.

سنگ قبر

در تشییع جنازه کلنل محمدتقی خان پسیان در سال ۱۳۴۰ هجری قمری عارف قزوینی شعری برای سنگ قبر وی سرود و بر روی این سنگ قبر حک شد.

این سر که نشان سرپرستی‌ست امروز رها ز قید هستی‌ست

با دیده‌ٔ عبرتش ببینید کاین عاقبت وطن‌پرستی‌ست